

تحلیل کارایی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مرتبط با آب

حمید بهره‌مند^{۱*}، سینا رستمی^۲

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶)

چکیده

وابستگی حیات بشر به آب و منابع آبی و نقش بی‌بدیل آن در تأمین نیازهای عمومی و اجتماعی امری انکارناپذیر است. با وجود این، می‌توان گفت استفاده بی‌رویه از منابع آبی و سرازیر شدن فاضلاب صنعتی موجب آلودگی آب و منابع آبی شده است. میزان ضرر حاصل از این‌گونه اعمال به‌گونه‌ای است که می‌تواند نظم عمومی را مختل کند. بنابراین، لزوم مداخله دولت‌ها به منظور ممانعت از ارتکاب این قبیل اعمال ضروری است. یکی از ابزارهای مداخله دولت‌ها برای حمایت از منابع آبی، توسل به حقوق کیفری است. به همین دلیل در نظام حقوقی ایران نیز در جهت پاسداری از اصول قانون اساسی و با توجه به عمومی محسوب شدن منابع آبی و لزوم حمایت کیفری از آنها، برخی اعمال، جرم‌انگاری و برای آنها مجازات‌هایی تعیین شده است. در این مقاله ضمن تبیین مبانی حمایت کیفری از آب، قوانین مختلف و عناصر تشکیل‌دهنده جرایم این حوزه بررسی می‌شود. با توجه به اقتصادی محسوب شدن برخی از این جرایم، ضمانت اجرای کیفری موجود و کارآمدی آنها به منظور بازدارندگی از ارتکاب این جرایم تحلیل و در نهایت پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین موجود ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی

آب، آلوده کردن منابع آبی، برداشت بی‌رویه از منابع آبی، جرایم، جرم‌انگاری، سیاست کیفری، نظام حقوقی ایران.

* Email: bahrmand@ut.ac.ir

مقدمه

اهمیت آب به منزله یکی از منابع اساسی تداوم حیات بشر و نقش آن در تأمین نیازهای عمومی و اجتماعی از ابتدای خلقت تاکنون بر همه آشکار بوده و بشر از آغاز خلقت به این نعمت الهی نیاز داشته است. با مطالعه‌ای در تاریخ زندگانی بشر می‌توان مشاهده کرد که آب به منزله مایه حیات از اهمیت بسیاری برخوردار است تا جایی که در برخی ادیان پرستش شده است (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳: ۲۶۴). همچنین آب به منزله یکی از عناصر چهارگانه طبیعت نزد برخی از ملل متمدن، نظیر یونانیان و ایرانیان باستان از عناصر سازنده جهان محسوب می‌شده است. آب از دیدگاه قرآن نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده و خدا در چندین آیه در خصوص اهمیت آب و به خصوص تأثیر آن در حیات بشر اشاره کرده است. آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیا^۱ مؤیدی بر این ادعاست.^۲ در کنار آیات قرآن روایات فراوانی نیز در خصوص آب وجود دارند که بر اهمیت آب تأکید کرده‌اند. برای مثال، روایتی از امام محمدباقر (ع) نقل شده است که می‌فرمایند: و نخست آن چیزی را آفرید که همه چیزها از آن است و آن چیز که همه اشیا از آن آفریده شده آب است. در نتیجه خدا نسبت هر چیز را به آب رساند، اما برای آب نسبتی که بدان منسوب شود قرار نداد (کلینی، بی تا، ۱۳۵). در سال‌های اخیر، از یک سو کاهش بارندگی، تغییر اقلیم، افزایش درجه حرارت، تغییر الگوی بارش، افزایش جمعیت، مصرف بی‌رویه آب و از سوی دیگر، صنعتی شدن جوامع، گسترش صنایع، پیشرفت و فناوری، توسعه حمل و نقل به منظور تأمین نیازهای بشری و دسترسی به رفاه، به مداخله بشر در محیط طبیعی، سرازیر شدن فاضلاب‌های صنعتی و کشاورزی و آلاینده‌های نفتی و ... به آب منجر شده (خالقی و رشنوادی، ۱۳۹۲: ۱۲۰) که جملگی موجب آلودگی آب‌ها شده است، به گونه‌ای که امروزه بسیاری از کشورها با بحران کمبود آب مواجه‌اند. از جمله کشورهایی که با بحران کمبود آب دست و پنجه نرم می‌کنند، ایران است که در بخش خشک و نیمه‌خشک کره زمین و شرایط اقلیمی گرم و حاره‌ای قرار دارد و رشد

۱. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ» و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.

۲. همچنین بنگرید به آیه ۲۲ و ۱۶۴ سوره بقره، آیه ۶۳ سوره حج، آیه ۲۱ سوره زمر، آیه ۱۸ سوره مؤمنون و آیه ۶۸ و ۷۰ سوره واقعه.

جمعیت و توسعه بخش‌های صنعتی و کشاورزی و استفاده بی‌رویه از منابع آبی به‌منظور تأمین نیازها موجب شده است، اهمیت آب بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

آب نیز همانند سایر منابع حیاتی به‌منظور تأمین مصالح و نظم اجتماعی، نیازمند قاعده‌مندی، تنظیم و وضع مقررات است. از این رو، دولت‌ها برای حفاظت از آب به وضع قوانین علی‌الخصوص ایجاد ضمانت اجراهای کیفی و مدنی راجع به منابع یا تأسیسات آبی اقدام کرده‌اند. قانون‌گذار قبل از انقلاب با تصویب قوانین متعدد ضمن تنظیم مسائل مرتبط با آب، در برخی از مواد، به جرم‌انگاری برخی از رفتارها و تعیین مجازات برای آن‌ها اقدام کرده است. علاوه بر قوانین عادی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عمومی محسوب کردن منابع آبی در اصل چهارم و چهارم و لزوم حفاظت از محیط‌زیست و ممنوعیت ارتکاب اعمال آسیب‌زننده به محیط‌زیست در اصل پنجاهم به‌منظور پاسداری و اجرای این اصول گام برداشته است.

با افزایش مداخله حقوق کیفی نسبت به مسائل مرتبط با آب و جرم‌انگاری مجدد برخی رفتارهای مشابه با رفتارهای جرم‌انگاری شده در قوانین سابق، لازم است پس از بررسی مبنای لزوم مداخله حقوق کیفی در موضوعات مرتبط با آب، قوانین حاکم در خصوص رفتارهای مشابه مشخص و میزان کارآمدی قوانین کیفی به‌منظور اجرای اهداف حقوق کیفی تبیین شود.

برای بررسی این موضوعات در این پژوهش ابتدا مبانی حمایت کیفی از آب از حیث عامل رافع نیازهای عمومی، ارتباط آن با نظم و امنیت عمومی، سیاسی، ملی و دفاعی کشورها و عمومی محسوب شدن آن تبیین، سپس مقررات کیفی آب از حیث عناصر تشکیل‌دهنده جرایم، ضمانت اجراهای کیفی موجود، کارآمدی آن‌ها و حکومت قوانین شامل جرایم مشابه، بررسی و در نهایت پیشنهادهایی درخصوص رفع خلأهای موجود و اصلاح قوانین ارائه می‌شود.

۱. مبانی حمایت کیفی از آب

جرم‌انگاری در هر نظام حقوقی براساس مبانی فکری آن نظام حقوقی شکل می‌گیرد و دولت‌ها با توسل به این مبانی به تحدید آزادی‌های شهروندان و تابعان خود می‌پردازند.

درواقع این اصول، معیارهایی به شمار می‌روند که دولت‌ها با استفاده از آن‌ها به معرفی رفتارهای مجاز و ممنوع اقدام می‌کنند (الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۷۶). یکی از شیوه‌های حفاظت و حمایت از اهداف، منافع و ارزش‌های حاکم از طریق دولت‌ها توسل به حقوق کیفری است. از ابزارهای قدرت سیاسی هر دولتی جرم‌انگاری و مجازات‌کردن برخی از اعمال است که با اهداف و منافع عمومی در تعارض باشند، از این رو دولت‌ها برای رسیدن به اهداف خود از حقوق کیفری و ضمانت‌اجراهای آن بهره می‌جویند. درخصوص مسئله آب این پرسش مطرح می‌شود که مبنای نظام حقوقی ایران در این خصوص چیست؟ و چه دلایلی حمایت کیفری از آب و مداخله کیفری در این حوزه را توجیه می‌کند؟ در این زمینه دلایل بسیاری وجود دارند که در زیر بررسی می‌شوند.

امروزه با محدودیت منابع آبی و بروز بحران‌های فراوان و با توجه به نقش حیاتی آن در زندگی بشر، به مسئله آب توجه ویژه‌ای شده است. این امر به‌خصوص برای ایران که دارای آب و هوای گرم و خشک است و با کمبود منابع آبی روبه‌روست توجه بیشتری را می‌طلبد. علاوه بر ناکافی بودن منابع آبی و دسترسی‌نداشتن به آب آشامیدنی، از جمله موانع دیگری که موجب شده امروزه به آب توجه بیشتری معطوف شود تجاوزات و تهدیداتی است که نسبت به آب و منابع آبی صورت می‌گیرد. اقداماتی نظیر آلوده کردن آب، تصرف و استفاده غیرقانونی از منابع آبی، تجاوز به بستر و حریم آب‌ها و در نهایت تخریب و اختلال در تأسیسات آب از زمره این تهدیدات و تجاوزات به شمار می‌روند.

از طرفی آب به‌منزله منبع مرتفع سازنده نیازهای عمومی امری است که با امنیت سیاسی، ملی و دفاعی هر کشوری مرتبط است (مدنیان، ۱۳۸۳). بدین توضیح که موانع و محدودیت‌های موجود درخصوص مسئله آب موجب افزایش رقابت میان کشورها به‌منظور استفاده و دستیابی بیشتر به منابع آبی و احتمالاً تنش و درگیری میان آن‌ها می‌شود. از طرف دیگر، کمبود آب به اختلال در فعالیت‌های کشاورزی و به تبع آن معاش مردم، شرب آب آشامیدنی، اختلال در صنعت و اختلال در نظام اقتصادی منجر می‌شود. همچنین، اهمیت و نقش بی‌بدیل منابع آبی موجب شده است این منابع با نظم و امنیت عمومی نیز ارتباط یابند. همه این دلایل موجب شده است دولت‌ها برای حفظ منافع عمومی نسبت به منابع و تأسیسات آبی حق حاکمیت قائل باشند و مالکیت منابع آبی را متعلق به عموم مردم بدانند.

از این رو، قانون‌گذار در ماده یک قانون آب و طریقه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ بیان می‌دارد: «کلیه آب‌های جاری در رودخانه‌ها و انهار طبیعی و دره‌ها و جویبارها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و همچنین سیلاب‌ها و فاضلاب‌ها و زه‌آب‌ها و دریاچه‌ها و مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آب‌های معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی ثروت ملی محسوب و متعلق به عموم است و مسئولیت حفظ و بهره‌برداری این ثروت ملی و احداث و اداره تأسیسات توسعه منابع آب به وزارت آب و برق محول می‌شود». مطابق این قانون، آب ملی اعلام و مالکیت آن برای دولت به رسمیت شناخته شده است و امتیازات خصوصی نیز لغو شده‌اند. در قوانین بعد از انقلاب اسلامی نیز، سیر حمایت از منابع آب و حفاظت از آن‌ها ادامه یافت. قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل چهل و چهارم قانون اساسی مالکیت سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی را عمومی محسوب کرده و آن‌ها را در اختیار دولت قرار داده است. به موجب این اصل «... بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است...». از این رو، قانون اساسی نیز آب را جزو انفال معرفی کرده است بدین معنا که آب متعلق به همه است و در اختیار دولت قرار دارد. همچنین، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ نیز در خصوص مالکیت، آب را جزو مشترکات عمومی با تصدی و نظارت دولت طبق مصالح عامه قرار داده است. این قانون، آب را جزو مشترکات عمومی تلقی کرده و مسئولیت و تصدی آن را در اختیار وزارت نیرو قرار داده است. بنابراین، به طور کلی وظیفه حفاظت و حراست از منابع آبی بر عهده دولت است. مطابق با این ویژگی‌ها و با توجه به ضرورت حمایت از آب و به‌منظور پاسداری و اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی و ماده یک قانون طریقه ملی شدن آب قانون‌گذار ایران نیز در ادوار مختلف به وضع مقررات مبادرت کرده است. بنابراین، با توجه به اینکه آب در حاکمیت دولت قرار دارد باید هر آنچه موجب عدم انتفاع مناسب یا در تقابل و به ضرر عموم مردم باشد ممنوع اعلام و برای آن‌ها مجازات تعیین شود.

البته ماهیت شدید و رنج‌آور مداخله حقوق کیفری و آثار زیان‌بار واکنش‌های گوناگون آن در برابر جرم به طور خاص از سویی و ماهیت فزون‌خواه قدرت عمومی در توسعه اختیارات و اقداماتش از سوی دیگر، وجود نظریه جرم‌انگاری را ضروری می‌کند (محمودی، ۱۳۹۳: ۸۴). جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن، دولت رفتاری را ممنوع یا انجام آن را ضروری می‌کند و در قبال نقض آن به واکنش‌های کیفری و در رأس آن‌ها به مجازات متوسل می‌شود (نجفی‌ابرنادآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۳: ۹۰). نظریه جرم‌انگاری در نظام‌های حقوقی مختلف عمدتاً مبتنی بر اصل ضرر^۱ است.^۲ براساس این اصل رفتارهایی باید از سوی قانون‌گذار ممنوع و برای تخلف از آن‌ها مجازات تعیین شود که آن رفتارها به جامعه و افراد آن ضرر وارد می‌کند. در حقیقت با توسعه معنای ضرر می‌توان خلأهای موجود در نظام حقوقی و ناممکن بودن دفاع از مردم را برطرف کرد (برهانی، ۱۳۸۸: ۱۷). البته همان‌طور که شنشک بیان کرده است برای جرم‌انگاری رفتارها علاوه بر اینکه باید از فیلتر اصول عبور کرد، دو فیلتر پیش‌فرض‌ها و کارکردها نیز وجود دارد (Schonsheck, 1994: 63). در فیلتر پیش‌فرض‌ها باید دید آیا می‌توان با توسل به ابزارهای غیرکیفری شیوع رفتار مضر را به سطح قابل قبولی کاهش داد و در فیلتر کارکردها به تحلیل هزینه فایده‌ای از پیامدهای جرم‌انگاری توجه می‌شود (روستایی، ۱۳۹۴: ۷۰). در مجموع با توجه به اهمیت آب و مسئله بحران کمبود آن، مضر بودن ارتکاب برخی رفتارها برای جامعه و افراد آن (اعمالی نظیر آلوده کردن و تصرف و استفاده غیرقانونی از منابع آبی، تجاوز به بستر و حریم آب‌ها) و بی‌کفایتی و بازدارندگی سایر ضمانت اجراها، همان‌طور که در سایر کشورها از ضمانت اجراهای کیفری بهره جسته شده است، مداخله حقوق کیفری و جرم‌انگاری این رفتارها و تعیین مجازات برای آن‌ها امری ضروری است. همچنین، حجم عظیم سرمایه‌گذاری دولت‌ها در تأسیسات و منابع آبی و فشار سنگین احداث و بهره‌برداری از آن‌ها، دولت‌ها را بر آن می‌دارد که برای جلوگیری از بروز اختلال

1. Principle of harms.

۲. حقوق‌دانان در توجیه مداخله کیفری و ضرورت جرم‌انگاری مبانی دیگری را نیز مدنظر قرار می‌دهند و به طور کلی سه اصل مختلف در خصوص جرم‌انگاری وجود دارد (اصل ضرر، اصل پدرسالاری قانونی و اخلاق‌گرایی قانونی)، اما آنچه می‌تواند مبنای مداخله کیفری در خصوص مسئله آب باشد اصل ضرر است.

در امر انتفاع از این منابع، تدابیر جزایی را اتخاذ و با انگیزه‌های مختلفی که قصد تخریب یا تجاوز به چنین منابعی را دارند به شدت برخورد کنند (مدنیان، ۱۳۸۳).

از سویی دسترسی به محیط‌زیست سالم مدت‌هاست که به‌منزله یکی از ارزش‌های جمعی شناسایی شده که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران نمود یافته است (اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). بنابراین، دلیل دیگری که مبنای حمایت کیفری از منابع آبی را اثبات می‌کند و در اصل پنجاهم قانون اساسی به آن اشاره شده، حمایت از این ارزش اساسی است. به موجب این اصل «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، با در نظر گرفتن اصول جرم‌انگاری فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». بدین منظور قانون‌گذار ایران به منظور پاسداری و اجرای اصول چهل و چهارم و پنجاهم قانون اساسی، از حقوق کیفری استفاده کرده است. البته این سخن که می‌توان از منابع آبی بدون مداخله حقوق کیفری و از طریق اقدامات پیشگیرانه حمایت و صیانت کرد، مطابق شرایط کنونی نادرست است، زیرا از سویی جرم‌شناسی پیشگیری که در جهت ریشه‌کن کردن جرم یا محدودیت زمینه‌های ارتکاب جرم انجام می‌شود منافاتی با مداخله کیفری ندارد، بلکه یکی از ابزارهای پیشگیری از ارتکاب جرم، جرم‌انگاری کردن رفتار و پیش‌بینی اجرای مجازات برای آن است و از سوی دیگر همان‌طور که پیش‌تر بیان شد مبانی جرم‌انگاری ضرورت جرم تلقی شدن رفتارهای مذکور را توجیه می‌کند.

همچنین، حمایت از محیط‌زیست در نظام بین‌المللی و موضوع محیط‌زیست سالم و مناسب به‌حدی اهمیت یافته است که به‌منزله یکی از مصادیق حقوق بشر شناخته و در پاراگراف نخست پیش‌گفتار اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) به آن اشاره شده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۷: ۸۲). از مهم‌ترین اسناد مربوط به حمایت و صیانت از محیط‌زیست،

بیانیه ریو (۱۹۹۲) درخصوص محیط‌زیست و توسعه است. مطابق اصل سیزدهم این سند^۱ «دولت‌ها موظف‌اند قوانین ملی لازم را در ارتباط با مسئولیت و جبران خسارت قربانیان آلودگی و سایر صدمات وارده بر محیط‌زیست وضع کنند».^۲ این امر نیز اهمیت جهانی موضوع محیط‌زیست به منزله یکی از ضروریات حفظ و بقای حیات در زیست‌کره و لزوم مداخله و مبارزه حقوق کیفری درخصوص اقدامات مضر و آلوده‌کننده محیط‌زیست را به اثبات می‌رساند.^۳ بنابراین، با توجه به گسترش روزافزون اهمیت آب‌ها ضرورت افزایش مداخله کیفری دولت‌ها در امور زیربنایی همچون آب‌ها احساس می‌شود.

با وجود این مباحث که ضرورت مداخله و حمایت کیفری از آب و منابع آبی را اثبات می‌کند، قانون‌گذار درخصوص مسئله آب به‌خصوص جرم‌انگاری برخی اعمال و تعیین مجازات برای آن‌ها در قوانین مختلف وضعیتی ناپایدار داشته و رویکرد مشخصی در این خصوص از خود نشان نداده است؛ امری که موجب شده است اهداف مداخله و حمایت کیفری از آب به‌خوبی تأمین نشود و علاوه بر آن این مداخله و حمایت بازدارندگی و کارآمدی نیز نداشته باشد. از این رو، در بخش بعدی مقاله مقررات کیفری مرتبط با آب را بررسی، اهمیت قوانین و جرایم را تبیین و در نهایت حقوق و مقررات کیفری را تحلیل می‌کنیم.

۱. این کنفرانس از تاریخ سوم تا چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ با حضور و شرکت بیش از یکصد و پنجاه تن از رؤسا و نمایندگان کشورهای جهان در ریودوژانیرو واقع در برزیل تشکیل شد. این کنفرانس جهانی بزرگ که به اجلاس زمین یا همایش ریو موسوم شده است توجه جهانی را به مهم‌ترین مسئله بشری در قرن بیست و یکم یعنی محیط‌زیست جلب کرد. حاصل و نتایج کنفرانس ریو عبارت‌اند از: بیانیه اصولی ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه دستور کار ۲۱ یا دستورالعمل اقدام درخصوص توسعه پایدار جهانی، اصل جنگل و دو کنوانسیون مهم یا معاهده بین‌المللی تنوع زیستی و معاهده ساختاری سازمان ملل پیرامون تغییرات اقلیمی. برای دسترسی به متن کامل بیانیه ریو ر.ک.: پایگاه برنامه محیط‌زیست ملل متحد به نشانی زیر:

<http://www.un.org/documents/ga/conf151/aconf15126-1annex1.htm>.

۲. هرچند در این سند صرفاً به مسئولیت مرتکبان جرایم زیست‌محیطی و جبران خسارت از سوی آن‌ها اشاره شده است، در مقررات کشورهای مختلف مشاهده می‌شود مسئولیتی که در کنار جبران خسارت مورد توجه قرار گرفته است، در قالب مسئولیت کیفری فهم و اعمال شده است.

۳. منابع آبی جزئی از محیط‌زیست محسوب می‌شوند. امروزه با توجه به کمبود منابع آبی و عواملی که موجب تشدید بحران منابع آبی شده‌اند از جمله آلودگی آب‌ها بر مخاطرات آلودگی‌های محیط‌زیست افزوده شده است، زیرا این آلودگی‌ها علاوه بر محیط‌زیست روی سلامتی و بهداشت انسان تأثیرات سوء خود را بر جای می‌گذارند. بنابراین، در جهت حمایت از محیط‌زیست بایستی با اقداماتی که بر بحران کمبود منابع آبی می‌افزایند، مقابله کرد.

۲. بررسی مقررات کیفری

همان‌طور که ذکر شد قانون‌گذار در حوزه آب برخی از رفتارهای مضر و آسیب‌زننده به منابع آبی را جرم دانسته و برای آن‌ها مجازات مقرر کرده است. شیوه مقنن در جرم‌انگاری این رفتارها به‌گونه‌ای بوده که بعضاً رفتارهای مشابه را در قوانین مختلف جرم‌انگاری کرده یا رفتارهای عام‌الشمولی را که دربردارنده طیف وسیعی از افعال است قابل مجازات دانسته است؛ در حالی که وضعیت قوانین را از حیث عام و خاص بودن یا نسخ و عدم نسخ مشخص نکرده است. همچنین، مجازات این جرایم بازدارندگی مطلوبی ندارند. این در حالی است که مقنن از ارائه تعریف جامع بسیاری از جرایم مربوط به آب بازمانده است. این تعارضات و ناهماهنگی و بی‌انسجامی و پراکندگی میان مواد قانونی مختلف، نشان‌دهنده سربلندی مقنن از اصول و قواعد قانون‌گذاری است. پرواضح است که وضع قانون برای هدف کاربردی معینی صورت می‌گیرد؛ بنابراین باید به‌قدری روشن و واضح باشد که تابعان و مجریان آن مراد از آن را به‌خوبی دریابند و به کاربست آن مبادرت ورزند (Fuller, 1969: 44). یک قانون متناقض، پرابهام و دارای ابهام موجب سردرگمی یا گمراهی کسانی می‌شود که باید از آن پیروی کنند.

درخصوص جرایم ارتكابی علیه آب قوانین متعددی وضع شده است. از جمله این قوانین می‌توان به قانون آب و ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷، قانون صید و شکار مصوب ۱۳۴۶، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، قانون حفاظت از محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴، قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، قانون دفع پسماند مصوب ۱۳۸۳ و قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری مصوب ۱۳۸۹ اشاره کرد.

۲.۱. بررسی رفتارهای مجرمانه

در تحلیل هر جرمی، اساس مباحث متوجه عنصر مادی است. در صورتی که این رکن از جرایم به‌خوبی تبیین و به شکل جامع و مانع پیش‌بینی شود، می‌توان جرم‌انگاری را تا

حدود زیادی موفق در نظر گرفت. پس از این مرحله می‌توان با تعیین ضمانت اجرای مناسب به اهداف موردنظر از حقوق کیفری امیدوار بود.

اولین قانون در حوزه جرایم آب، قانون آب و شیوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ است. در این قانون رفتارهایی نظیر حفر چاه بدون پروانه (ماده ۳۴)، بهره‌برداری از آب چاه بیش از حد مقرر در پروانه، استفاده از چاه بدون پروانه (ماده ۵۹)، بازکردن غیرمجاز دریچه و مقسم یا تغییر در تقسیم آب، دخالت غیرمجاز در وسایل اندازه‌گیری آب، اخلال در بهره‌برداری از تأسیسات عمومی، انتقال غیرمجاز آب به مجاری یا شبکه آبیاری، جلوگیری از رسیدن آبی که حق دیگری است یا تصرف بدون مجوز در آن، هدردادن آب به ضرر دیگران، آلوده کردن آب رودخانه، انهار عمومی، جویبارها، مخازن، منابع، قنوات و چاه‌ها با افزودن مواد خارجی در مواردی که منبع آب به منزله منبع آب آشامیدنی به کار می‌رود، تخلف از مقررات مندرجه در پروانه مصرف آب، انتقال بدون مجوز پروانه به دیگری، تخلف از مقررات موضوع فصل دوم قانون، بهره‌برداری غیرمجاز از منابع آب (ماده ۶۰) و تخریب و منهدم کردن سد و تأسیسات سد، جرم‌انگاری شده است.

قانون دیگر، قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ است که در بند «د» ماده ۱۲، آلوده کردن آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، قنوات، برکه‌ها و مرداب‌ها را به موادی که موجب ازبین رفتن آبزیان شود، جرم دانسته است. همچنین، ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، آلودگی محیط‌زیست از طریق کارخانه‌ها و کارگاه‌ها را ممنوع اعلام کرده و تخلف صاحبان و مسئولان آن‌ها را موجب حبس از ۶۱ روز تا یک‌سال یا جزای نقدی از پنج‌هزارویک تا پنجاه هزار ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات دانسته است. قانون بعدی، قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴ است که مطابق ماده ۲ این قانون، آلودگی منابع آبی به نفت و هر نوع مخلوط نفتی جرم است.

در قوانین پس از انقلاب نیز قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ رفتارهایی نظیر بازکردن بدون اجازه دریچه و مقسمی یا تغییر در تقسیم آب، دخالت غیرمجاز در وسایل اندازه‌گیری آب، اخلال در بهره‌برداری از تأسیسات آبی، جلوگیری از رسیدن آبی که حق دیگری است یا تصرف بدون مجوز در آن، حفر غیرمجاز چاه یا قنات یا بهره‌برداری از منابع آب جرم‌انگاری شده‌اند. قانون مناطق دریایی مصوب ۱۳۷۲ نیز آلودگی محیط‌زیست

را جرم و مستوجب عقوبت جزایی و مسئولیت مدنی دانسته است. نهایتاً اینکه در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۶۸۸ هرگونه اقدام که بهداشت عمومی را تهدید می‌کند از جمله آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس‌آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی جرم‌انگاری شده است.

با بررسی این جرایم می‌توان گفت که مقنن در ادوار مختلف و در قوانین متعدد، بسیاری از اقداماتی که به منابع آبی آسیب می‌رسانند یا قابلیت آسیب‌رسانی به آن را دارند، جرم تلقی کرده است. با وجود این، اشکالات و خلأهایی در این قوانین مشاهده می‌شود که در ذیل به ذکر و شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۲.۱.۱. جرم‌انگاری رفتارهای مشابه

اولین ایراد قوانین کیفری مرتبط با آب این است که قانون‌گذار در قوانین مختلف رفتارهای مشابه را جرم تلقی کرده است. برای مثال، در قوانین مختلف، آلوده کردن آب و منابع آبی جرم و برای آن‌ها مجازات تعیین شده است.^۱ بدیهی است در این مورد تنها یک قانون در زمان معین می‌تواند حکومت داشته باشد و این تعدد قوانین موجب می‌شود مجریان قانون در شناسایی قانون حاکم با مشکل روبه‌رو شوند. عام بودن برخی از این قوانین با توجه به دامنه شمول قانون و خاص بودن برخی با توجه به دامنه شمول این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که از میان دو قانون عام و خاص کدام یک قابل اجراست. همچنین، باید توجه داشت هرچند پس از پیروزی انقلاب اسلامی نظام حقوقی ایران دچار تغییر و تحولات عمده‌ای شده است، اما بسیاری از قوانین پیش از انقلاب براساس نظریه تفسیری شورای نگهبان از اعتبار برخوردارند.^۲ اما درخصوص مسئله عام لاحق و خاص سابق میان حقوق دانان

۱. بند ۵ ماده ۶۰ قانون آب و طریقه ملی شدن آن، ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب، بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید، بند «ز» ماده ۶ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان و ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی.

۲. شورای نگهبان در نظریه تفسیری خود به تاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۶۷ بیان داشت: «... به خاطر نظم و جلوگیری از تخلفات و احقاق حقوق مردم اجرای سایر قوانین مادام که مخالفت آن با موازین اسلامی اعلام نگردیده است بلامانع است».

اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق دانان بر این نظرند که با تصویب قانون عام لاحق قصد مقنن آن بوده است که تمامی مصادیق موضوع و دامنه شمول آن حکم سابق را نیز دربر گیرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۹۸) یا اینکه بنا به نظر برخی فقها نفس دلیل حکم خاص نمی تواند گویای استمرار آن باشد از این رو، قائل به نسخ خاص سابق از سوی عام لاحق اند (خویی، ۱۴۱۹: ۴۰۱). بنابراین، درخصوص جرم آلوده کردن آب مطابق نظر این دسته از حقوق دانان و فقها ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات حاکم است، اما در مقابل، عده ای دیگر از حقوق دانان در چنین مواردی قانون مقدم را مخصص عام مؤخر می دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۲۷۵ و امامی، ۱۳۷۶: ۳۱). عدم نسخ صریح قوانین سابق از سوی قانون گذار دلالت بر این دارد که مقنن مایل به اجرای حکم آن است. همچنین، در اثر وضع قانون عام در نسخ خاص سابق تردید به وجود می آید. بنابراین، یقین سابق استصحاب می شود.

اما درخصوص ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات به منزله عام لاحق، به نظر می رسد که با توجه به متن ماده مراد قانون گذار عدم نسخ قوانین خاص سابق بوده است، زیرا ماده ۶۸۸ اشعار می دارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابان ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». همان طور که ملاحظه می شود ذکر عبارت «چنانچه مطابق با قانون خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشد» خود حاکی از این امر است که مقنن، قوانین خاص سابق را مدنظر داشته و اعتقادی به نسخ آن ها نداشته است. اما آنچه در این خصوص اهمیت می یابد، تطبیق عناصر مادی جرایم عام لاحق با خاص سابق است.

درخصوص جرم آلودگی آب علاوه بر ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات، ماده ۲ قانون حفاظت از دریا و رودخانه های مرزی از آلودگی با مواد نفتی و ماده ۱۲ قانون شکار و صید نیز وجود دارند. مطابق با ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه های مرزی از آلودگی با مواد

نفتی، آلوده کردن آب با نفت یا هر نوع مخلوط نفتی جرم است و مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال یا پرداخت جزای نقدی از یک تا ده میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. همچنین مطابق با بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید، آلوده کردن آب به موادی که به از بین رفتن آبزیان منجر شود موجب حبس از سه ماه تا سه سال و جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون است. با بررسی میزان مجازات‌های این قوانین مشخص می‌شود که مجازات‌های ماده ۲ قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی و ماده ۱۲ قانون شکار و صید مجازات‌های شدیدتری را پیش‌بینی کرده‌اند. حال باید مشخص کرد کدام یک از این مجازات‌ها در خصوص جرم آلودگی آب ملاک عمل خواهند بود. با اندکی مذاقه در رکن مادی این جرایم مشخص می‌شود که آلودگی آب مطابق قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی و قانون صید و شکار مبتنی بر شرایط خاصی است. براساس ماده ۲ قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی، تنها آلودگی آب از طریق مواد نفتی (اوضاع و احوال ارتکاب جرم) مدنظر مقنن قرار گرفته است. همچنین بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید نیز جرمی مقید به نتیجه (از بین رفتن آبزیان) است. از این رو، به‌منزله یک قاعده چنانچه کسی مرتکب جرم آلوده کردن آب شود مجازات‌های ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص او اعمال می‌شود. اما اگر آلوده کردن با استفاده از مواد نفتی باشد، مرتکب مطابق ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی محکوم می‌شود و چنانچه آلوده کردن آب رودخانه‌ها و دریاها به از بین رفتن آبزیان منجر شود، بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید حاکم است.

در خصوص قانون آب و شیوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ و قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ باید گفت قانون نخست درباره آلوده کردن آب بین مواردی که آب، آشامیدنی است و مواردی که آب، غیرآشامیدنی است قائل به تفکیک شده است و در مورد نخست، حکم به تجمیع مجازات مقرر در ماده ۶۰ (پرداخت ۲ تا ۵ هزار ریال جزای نقدی و ۲ تا ۶ ماه حبس) و مجازات‌های مقرر در سایر قوانین کرده است. قانون دوم نیز بدون آنکه مجازاتی برای آلوده کردن آب پیش‌بینی کرده باشد، حکم به ممنوعیت این رفتار داده است. با در نظر گرفتن این دو حکم و حکم مقرر در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه بین آلوده کردن آب آشامیدنی و آلوده کردن سایر آب‌ها

تفاوتی قائل نشده است، عملاً حکم به مقررات دو قانون سابق ممکن نیست و قانون حاکم در این خصوص ماده ۶۸۸ است.

۲.۱.۲. ممنوعیت رفتار و پیش‌بینی نکردن مجازات

دومین ایراد قوانین کیفری این است که در بسیاری از مواد قانونی قانون‌گذار رفتاری را ممنوع یا الزامی اعلام کرده است، در حالی که هیچ‌گونه ضمانت اجرا و واکنشی در موارد نقض ممنوعیت یا الزام پیش‌بینی نکرده است. برای مثال، ماده ۱۵ قانون آب و شیوه ملی شدن آن بیان می‌دارد: «دارندگان پروانه مصرف ملزم هستند که از اتلاف و مصرف غیرمفيد آب اجتناب ورزیده و مجاری اختصاصی مورد استفاده خود را به نحوی که این منظور را تأمین کند احداث و نگهداری کنند». با اینکه در این ماده دارندگان پروانه مصرف به اجتناب از اتلاف و مصرف غیرمفيد ملزم شده‌اند، اما این الزام با ضمانت اجرایی همراه نیست و جز در موردی که رفتار مرتکب مشمول ماده ۵۹ قانون می‌شود (بهره‌برداری بیش از حد مقرر در پروانه مصرف آب چاه) ضمانت اجرایی برای این الزام مقرر نشده است. همچنین، مقنن در مواد قانونی دیگری تنها به بیان ممنوعیت پرداخته و ضمانت اجرای کیفری وضع نکرده است.

گذشته از اینکه این امر خود موجب نقض غرض، بی‌اهمیت جلوه‌دادن و کاهش اعتبار قوانین به‌ویژه از لحاظ صبغه کیفری آن می‌شود، این مسئله قابل طرح است که آیا ممنوع اعلام‌شدن برخی رفتارها و تعیین نکردن مجازات در موارد نقض ممنوعیت، جرم تلقی می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا از ممنوعیت مجرمیت استنباط می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش نیز میان حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. از یک سو، برخی حقوق‌دانان بر این نظرند که از مقنن بعید است که به امور بدیهی بپردازد و خلاف شأن مقام تقنین است که قانون‌گذار در مقام بیان جملات خبری باشد و قاعده‌سازی نکند. این تفسیر از مواد قانونی به تنزل اعتبار قوانین تا حد توصیه‌ای اخلاقی منجر می‌شود. لذا با توجه به این اوصاف با صرف بیان ممنوعیت، مجرمیت افراد در مواقع ارتکاب رفتار ممنوعه اثبات می‌شود و در خصوص اعمال مجازات نیز ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی حاکم است. بنابراین، براساس این دیدگاه در خصوص حفر چاه عمیق در مناطقی که ممنوع است، دادگاه می‌تواند مرتکب این جرم را براساس ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات‌های جایگزین

حبس محکوم کند. از سوی دیگر، نظر تعدادی از حقوق‌دانان این است که در خصوص رفتارهایی که به موجب قانون ممنوع شده‌اند، اما مجازاتی برای آن‌ها تعیین نشده است نمی‌توان به ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی استناد جست، زیرا ممنوعیت با جرم‌بودن ملازمه‌ای ندارد و جرم و مجازات به نص قانونی نیاز دارند (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۴۲). بنابراین، هنگامی که مقنن رفتاری را منع می‌کند، نتیجه تخلف از منع را نیز باید بیان دارد. علاوه بر این، می‌توان این‌گونه بیان کرد که به طور کلی هیچ رفتاری بدون تعیین کیفر جرم نیست، زیرا جرم رفتار و عمل خلاف قانون انسان است که محض انجام تکلیف یا استیفای حق نبوده و برای آن مجازاتی مقرر است (باهری، ۱۳۹۴: ۹۷). مطابق با ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نیز جرم رفتاری است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. همچنین، مطابق با اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها باید نوع و میزان مجازات پیش از اجرای آن مشخص و به صورت دقیق از سوی مقام صلاحیت‌دار اعلام شده باشد (الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۳۲). نتیجه اینکه قانون‌گذار زمانی درست عمل کرده است که اولاً برای ممنوعیت‌های پیش‌بینی شده، ضمانت اجرا در نظر بگیرد تا در صورت نقض آن‌ها دادگاه‌های صالح امکان مجازات‌کردن مرتکبان براساس اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها را داشته باشند.

۲.۲. بررسی عنصر روانی جرایم

نکته بعدی که باید در خصوص قوانین مرتبط با آب ذکر کرد، عنصر روانی جرایم علیه آب است. به طور کلی اعتقاد بر این است که جرایم زیست‌محیطی مرتبط با آب، جرایم عمدی‌اند (نجات و دبیری، ۱۳۹۴: ۱۸۲). بنابراین، عمد و آگاهی از مجرمانه‌بودن عمل لازم است و اگر این کارها از روی خطا صورت گیرد مشمول حکم ماده ۶۸۸ نخواهد بود (زراعت، ۱۳۸۲: ۲۷۳). اما با مذاقه در مواد قانونی، مشخص است که هرچند واژه علم و عمد در این مواد استفاده و به عنصر روانی جرایم اشاره نشده است، مطابق قاعده کلی، که اصل در جرایم عمدی‌بودن است مگر خلاف آن از سوی قانون‌گذار اعلام شده باشد، این دسته از جرایم، عمدی محسوب می‌شوند. اما باید توجه داشت عمدی تلقی‌کردن جرایم زیست‌محیطی مرتبط با آب، با اهمیت و فلسفه ضرورت مداخله و حمایت کیفری از آب

منطبق نیست، زیرا ممکن است بسیاری از افراد بی آنکه قصد آلوده کردن آب، کشتن آبزیان یا اتلاف و مصرف غیرمفید، یا حتی علم به وقوع چنین نتایج مضر را داشته باشند،^۱ مرتکب این جرایم شوند و وضع ضمانت اجراهای حقوقی برای مرتکبان این رفتارها کفایت نمی‌کند. با توجه به تصریح نکردن قانون‌گذار به جرم بودن رفتارهای غیرعمدی، ارتکاب چنین رفتارهایی توأم با خطای جزایی جرم و قابل مجازات نیست. مدعای طرفداران این عقیده که جرایم زیست‌محیطی که به صورت غیرعمدی رخ داده و غیر قابل مجازات است، سکوت قانون‌گذار و رجوع به اصول مسلم حقوق کیفری نظیر تفسیر به نفع متهم و اصل قانونی بودن جرایم مجازات‌هاست (نجات و دبیری، ۱۳۹۴: ۱۸۴ و انصاری، ۱۳۸۳: ۱۲۷)، اما با توجه به دلایل و مبانی حمایت کیفری از آب، اگر برای مرتکبان این قبیل جرایم آن‌گونه که در کشورهای نظیر آمریکا و انگلیس^۲ مسئولیت مطلق^۳ پیش‌بینی شده است (نجات و دبیری، ۱۳۹۴: ۱۸۴-۱۸۵)، قائل به مسئولیت نباشیم، حداقل باید مسئولیت کیفری را در جرایم غیرعمدی پذیرفت. در واقع در حوزه‌های حقوق محیط‌زیست شاهد گذار از دکترین‌های قدیمی مسئولیت مدنی به نظام‌های مدرن مسئولیت هستیم و برخلاف نظریه‌های قدیمی که بیشتر براساس نظریه تقصیر و برگرداندن وضعیت به ماقبل و جبران خسارت زیان‌دیده هدف اصلی بود (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۹۱). امروزه اعتقاد بر این است چنین رویکردی به حفاظت‌نکردن کامل از محیط‌زیست منتهی می‌شود و برای جلوگیری از ایراد خسارت به محیط‌زیست باید به دنبال رویکردهای سخت‌گیرانه‌تری بود. در حوزه مسئولیت مدنی نظریه مسئولیت مدنی مبتنی بر خطر این دغدغه را پوشش می‌دهد. براساس این نظریه برای تحقق مسئولیت به اثبات تقصیر فرد

۱. شایان یادآوری است درخصوص ذیل ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی که علم به وقوع نتیجه را برای مسئول‌دانستن مرتکب کافی دانسته است، اختلاف نظر وجود دارد و برخی بر این نظرند علم به وقوع نتیجه تنها در مواردی می‌تواند جایگزین قصد مستقیم شود که نص قانونی در این زمینه وجود داشته باشد. در این خصوص ر.ک.: (الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۱۸۸).

۲. این امر در حالی است که این کشورها با بحران کمبود آب مواجه نیستند. آمارها حاکی از این است که در انگلیس میانگین بارش در دسامبر به ۹۰ میلی‌متر می‌رسد، اما ایران از لحاظ بارندگی در سطح نیمه‌خشک و خشک است.

3. Strict liability.

آلوده‌کننده نیازی نیست، بلکه همین که شخص اقدام به فعالیتی کند که به آلودگی محیط‌زیست و تخریب آن منجر شود، باید از عهده خسارت وارده برآید، اعم از اینکه مقصر باشد یا نباشد (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۲۹۱). در نظام حقوقی ایران، تنها جرم عمدی‌ای که در حوزه حقوق آب مشاهده می‌شود همان است که در ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی ذکر شده است؛ حال آنکه در سایر موارد آلوده‌سازی منابع آبی می‌توان از این رویکرد استفاده کرد.^۱

۳.۲. بررسی مجازات‌ها

مقنن به منظور ممنوعیت برخی رفتارها، مجازات‌هایی از قبیل حبس، جزای نقدی، شلاق، لغو پروانه، مسدودکردن چاه و ... پیش‌بینی کرده است. با بررسی مجازات‌های پیش‌بینی شده می‌توان گفت مقنن در موارد متعدد نسبت به ارتکاب جرم با رویکردی متساهلانه برخورد کرده و ضمانت اجرای مستحکمی به منظور حمایت از آب و برطرف کردن معضلات مرتبط با آن وضع نکرده است. از این رو نسبت به مجازات‌های مقررشده در قوانین مرتبط با آب ایرادهایی وجود دارد که به شرح ذیل بیان می‌شود.

۳.۲.۱. تعیین نکردن حداقل مجازات

از جمله ایرادهای وارد بر مجازات‌های مقررشده، تعیین نکردن حداقل برای مجازات‌هاست. در نتیجه این امر قاضی دادگاه می‌تواند مرتکب جرم آلوده‌کردن آب را مطابق با ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی از یک روز تا یک سال حبس کند. فلسفه تعیین نکردن حداقل مجازات به ایرادات متعدد شورای نگهبان مبنی بر رعایت قواعد مجازات‌های تعزیری (التعزیر بما یراه الحاکم) در زمان تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ باز می‌گردد، اما اکنون با توجه به نسخ صریح ماده ۷۲۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی،

۱. درخصوص جرم آلوده‌کردن همراه با تقصیر آب، بند سوم ماده ۳۲۴ قانون مجازات آلمان نیز بیان می‌دارد: «... (۳) در صورتی که مجرم از روی بی‌احتیاطی مرتکب جرم شود، به مجازات حبسی که بیشتر از سه سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد» (بوهلندر، ۱۳۹۴: ۲۹۷).

امکان تعیین حداقل مجازات فراهم است.^۱ تعیین حداقل برای مجازات‌ها مطابق با اصل قانونی جرایم و مجازات‌ها و فواید دیگری نظیر جلوگیری از خودکامگی و خودسری‌های قضات و اجرای صحیح عدالت، بی‌طرفی، واقع‌بینی و عدم غرض و جانبداری آن‌هاست (باهری، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

۲.۳.۲. تناسب‌نداشتن و بازدارندگی مجازات‌ها

ایراد دیگری که بر مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در خصوص جرایم پیش‌گفته وارد است، تناسب‌نداشتن مجازات‌ها با جرایم ارتكابی است. نتیجه این امر عدم بازدارندگی مطلوب مجازات‌هاست. یکی از اهداف مداخله حقوق کیفری و پیش‌بینی مجازات، جنبه بازدارندگی مجازات‌هاست. در واقع مهم‌ترین عاملی که عموم مردم را به رعایت قانون ملتزم می‌کند، ترس از ضمانت اجرای آن است (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۸). این در حالی است که با بررسی مجازات‌های تعیین‌شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که این مجازات‌ها نه موجب ارعاب فردی می‌شوند و نه موجب ارعاب جمعی. از جمله مواد قانونی که تناسب میان جرم و مجازات در آن رعایت نشده، مجازات پیش‌بینی‌شده در ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. توضیح آنکه مقنن در این ماده قانونی تمامی اقدامات علیه بهداشت عمومی را دارای مجازات یکسان دانسته است. این امر در حالی است که منطقاً قانون‌گذار بایستی واکنش‌های جداگانه‌ای متناسب با شدت خطر و زیان عمل موردنظر و با توجه به اهمیت آن پیش‌بینی می‌کرد. نقض بهداشت عمومی از طریق ریختن زباله در خیابان اهمیتی به مراتب کمتر از آلودگی آب دارد، در حالی که برای هر دو این رفتار مجازات برابری در نظر گرفته شده است. بنابراین، لازم است جرایم آسیب‌زننده و خطرناک این ماده از جرایم کم‌اهمیت تفکیک یا حداقل برای هر یک از این رفتارها مجازات جداگانه‌ای مطابق با اهمیت و میزان خطر آسیب‌رسانی آن‌ها پیش‌بینی شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۷۶).

۱. دلیل مخالفت شورای نگهبان با تعیین حداقل برای مجازات‌های تعزیری این بوده است که تعیین حداقل مجازات، خلاف اصل تناسب میان جرم و مجازات، اصل تفرید مجازات‌ها و قاعده التعزیر بما یراه الحاکم و به طور کلی خلاف شرع بوده است (الهام، ۱۳۹۱: ۳۵).

تناسب نداشتن مجازات‌های نقدی نیز با توجه به نرخ سالیانه تورم آن‌چنان بدیهی و واضح است که نیازمند توضیح و تفصیل بیشتر نیست. همچنین، برخی مواد قانونی که برای جرایم، مجازات‌های حبس تا سه ماه پیش‌بینی کرده است نیز از بازدارندگی مطلوبی برخوردار نیستند، زیرا مطابق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی که «مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند»، مجازات حبس الزاماً تبدیل می‌شود و قابل اجرا نیست. از این رو، بازدارندگی این مجازات نیز به شدت محل تردید است. در این خصوص ماده ۳۲۴ قانون مجازات آلمان قابل توجه است که اشعار می‌دارد: «هر کس مغایر با قانون، منبع آبی را آلوده سازد یا به طریق دیگری، ویژگی‌های آب را به صورت زیانباری تغییر دهد، به مجازات حبسی که بیشتر از پنج سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد» (بوهلاندر، ۱۳۹۴: ۲۹۷). در فرانسه نیز ماده ۲۱۶-۶ قانون محیط‌زیست برای جرم آلوده‌سازی منابع آبی مجازات حبس دو سال و جزای نقدی ۷۵۰۰۰ یورویی پیش‌بینی کرده است (Bianco, 2015: 16).

۴.۲. مسئولیت اشخاص حقوقی در جرایم آب

بحث دیگری که امروزه اهمیت فزاینده‌ای یافته، مسئولیت اشخاص حقوقی است که مرتکب جرایم علیه آب می‌شوند. مطابق با ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۰ و تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی اشخاص حقوقی در صورت ارتکاب جرم دارای مسئولیت کیفری‌اند. بررسی‌ها، شواهد و قرائن حاکی از این است که جرایم علیه آب غالباً از طریق کارخانه‌ها، صاحبان حرف و مشاغل اقتصادی، شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی، اقتصادی و تجاری واقع می‌شوند. بنابراین، لزوم پیش‌بینی ضمانت اجرا و اعمال مجازات‌های متناسب با جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی و خسارت و صدمات حاصل از آن لازم است. با مذاقه در رفتارهای اشخاص حقوقی، می‌توان گفت ارتکاب جرایمی نظیر آلوده‌کردن منابع آبی و بهره‌برداری از چاه‌های غیرمجاز، اهدافی سودانگاران و منفعت‌طلبانه دارد. توضیح اینکه این اشخاص به‌منظور پرداخت هزینه کمتر و کسب سود بیشتر مرتکب رفتارهایی می‌شوند که موجب آسیب‌رساندن و آلودگی به محیط‌زیست به‌خصوص منابع

آبی می‌شوند. برای مثال می‌توان به اشخاصی اشاره کرد که برای پرداخت نکردن هزینه دفع فاضلاب، به جای استفاده از روش قانونی، فاضلاب و سایر پسماندهای خود را در دریاها و رودخانه‌ها دفع می‌کنند. بنابراین، این‌گونه مرتکبان را می‌توان به‌نوعی مجرمان اقتصادی دانست. آلودگی آب‌ها ناشی از گسترش کارخانه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها بیشتر نیز شده است، زیرا به‌میزانی که انگیزه‌های اقتصادی بیشتر و متنوع‌تر باشد، زمینه‌های انجام آن رفتار برای کسب سود و در عین حال کاهش هزینه بیشتر است. از این رو، برخی حقوق‌دانان بر این نظرند که باید در برخورد با این گروه‌ها از تدابیر کیفری به منزله مؤثرترین وسیله برای نیل به اهداف عالی زیست‌محیطی و با بازدارندگی بیشتر استفاده کرد (هیرانو، ۱۳۷۳: ۱۸). با وجود این، در قوانین مختلف یا برای اشخاص حقوقی در این زمینه مجازاتی تعیین نشده^۱ یا با وجود تعیین مجازات، این ضمانت اجراها تناسب و بازدارندگی مطلوبی ندارند. برای مثال، مطابق ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، اشخاص حقوقی آلوده‌کننده آب، تنها باید دستور توقف اعمال ممنوع را اعمال کنند و ضمانت اجرای تخلف از این دستور، متوجه صاحبان یا مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌هاست. همچنین، در قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳ نیز تنها ضمانت اجرایی تخلف، پرداخت جزای نقدی حداکثر تا ده میلیون تومان است. این در حالی است که با توجه به میزان اندک مجازات‌های پیش‌بینی شده، مرتکبان به منزله مجرمان اقتصادی همچنان منفعت خود را در ارتکاب جرایم ذکر شده و پرداخت جزای نقدی می‌دانند، زیرا پرداخت چنین هزینه‌هایی به منزله جزای نقدی نسبت به سایر هزینه‌ها مقرون به صرفه است. نتیجه اینکه تعیین ضمانت اجراهای شدید نظیر جزای نقدی متناسب با ضررهای واردشده، می‌تواند اشخاص حقوقی را نسبت به تعهدات خود پایبند کند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد با توجه به مقررات ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها در خصوص جرایم عمدی امکان‌پذیر است و همان‌طور که بیان شد لازم است در جرایم آب، رفتارهای مجرمانه غیرعمدی نیز جرم‌انگاری شوند. همچنین لازم است در موارد ضروری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

۱. یکی از عللی که موجب تعیین نکردن مجازات برای اشخاص حقوقی شده بود، تردید مقنن نسبت به مسئولیت کیفری اشخاص بوده است.

حتی در مواردی که جرم مورد نظر غیر عمدی باشد، به لحاظ کیفی مسئول شناخته شوند. البته در صورتی که اقدامات خلاف بهداشت سبب صدمه بدنی غیر عمد شود مطابق با ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی دیه^۱ قابل مطالبه است.

۳. نتیجه گیری

با افزایش جمعیت کره زمین بر میزان استفاده منابع آبی نیز افزوده شده است. این امر در حالی است که افزایش دمای کره زمین موجب محدودیت‌هایی در بهره‌برداری از منابع آبی شده است. استفاده بی‌رویه از آب، اتلاف آن، استفاده ناصحیح و آلوده‌سازی منابع آبی، با وجود محدودیت منابع آبی در سطح کره زمین، زمینه‌های بحران کمبود منابع آبی را فراهم آورده است. این امر به خصوص برای ایران که دارای آب و هوای گرم و خشک است و همواره با کمبود منابع آبی همراه بوده، حائز اهمیت بیشتری است. اهمیت منابع آبی به حدی بوده است که اصولی از قانون اساسی به حفاظت و حمایت از محیط‌زیست به‌ویژه منابع آبی اختصاص یافته است. با عمومی محسوب شدن آب وظیفه حفاظت و حمایت از منابع آبی بر عهده دولت قرار گرفته است. دولت نیز به منظور اجرای این وظایف به قاعده‌مندسازی و تنظیم مقررات در این حوزه اقدام کرده است.

یکی از شیوه‌های حفاظت و حمایت از اهداف، منافع و ارزش‌های حاکم از سوی دولت‌ها توسل به حقوق کیفی است. به همین منظور عواملی نظیر دسترسی به محیط‌زیست سالم به‌منزله یک ارزش، عمومی محسوب شدن منابع آبی، ارتباط آب با مسائل امنیت سیاسی، ملی و دفاعی کشور، اهمیت آب و بحران کمبود منابع آبی، اجرای اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی، حجم عظیم سرمایه‌گذاری دولت در تأسیسات و منابع آبی و پیروی از کنوانسیون‌های بین‌المللی، مداخله حقوق کیفی در حوزه آب را موجه می‌کند. از همین رو، قانون‌گذار برخی از رفتارها را جرم‌انگاری و برای آن‌ها مجازات تعیین کرده است. با وجود این، با نظری اجمالی می‌توانیم پراکندگی و نامنسجم بودن سیاست‌های تقنینی مقنن در قبال آب و منابع آبی را استنباط کنیم. یکی از رموز موفقیت در

۱. البته در خصوص ماهیت دیه اختلاف‌نظرهایی وجود دارد و با توجه به ویژگی‌هایی که مجازات‌ها دارند، به نظر نمی‌رسد بتوان آن را مجازات تلقی کرد.

قانون‌گذاری‌های کیفری، انسجام در تصویب قوانین است که متأسفانه در نظام حقوقی ایران رعایت نشده است. تصویب قوانین متعدد و ناهماهنگ در این خصوص مؤیدی بر این موضوع است.

در این مقاله پس از اشاره‌ای گذرا به مبانی جرم‌انگاری جرایم مرتبط با آب، با تحلیل قوانین کیفری، خلأهای موجود شناسایی و مواد قانونی آسیب‌شناسی شد. جرم‌انگاری رفتارهای مشابه در قوانین مختلف، مشخص‌نبودن حکومت مواد قانونی مشابه و اختلاف‌نظرهای تفسیری در این خصوص، الزام و ممنوعیت برخی رفتارها بدون پیش‌بینی مجازات در موارد تخلف، بی‌توجهی به جرایم غیرعمدی، ضمانت اجراهای نامتناسب و غیربازدارنده، تعیین نکردن حداقل برای برخی از مجازات‌ها، از جمله خلأهای موجود در این زمینه است. همچنین، این نکته نیز که اشخاص حقوقی نظیر کارخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات تجاری و اقتصادی که با توجه به انگیزه اقتصادی خود اعمال مجرمانه‌ای در این خصوص مرتکب می‌شوند، تبیین شد. به همین دلیل با آسیب‌شناسی مقررات کیفری حقوق آب و تشخیص خلأهای موجود در این زمینه، پیشنهادهایی به شرح ذیل مطرح می‌شود:

۱. یکپارچه‌کردن قوانین و مقررات مرتبط با آب و نسخ صریح قوانین پراکنده؛
۲. تعیین مجازات‌های متناسب و بازدارنده برای جرایم ارتكابی با توجه به اقتصادی‌بودن جرایم این حوزه؛
۳. تفکیک جرایم عمدی و غیرعمدی و تعیین مجازات متناسب برای هر یک از آنها؛
۴. توجه ویژه به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به منزله مجرمان اقتصادی و تعیین مجازات‌های متناسب و بازدارنده نظیر جزای نقدی متناسب با منافع و خسارت‌های ناشی از آن و انتشار حکم محکومیت.

منابع

الف) فارسی

۱. قرآن کریم.

۲. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۳). *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: میزان.
۳. _____ (۱۳۹۴). *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ اول، تهران: میزان.
۴. الهام، غلامحسین (۱۳۹۱). «تحلیل ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی بر مبنای نظریات فقهی شورای نگهبان»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، صفحات ۲۵-۴۲.
۵. انصاری، باقر (۱۳۸۳). «مطالعه تطبیقی حقوق حاکم بر محیط‌زیست آبی در حقوق موضوعه ایران»، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط‌زیست ایران، نشر برگ زیتون.
۶. باهری، محمد (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، تهران: نگاه معاصر.
۷. برهانی، محسن (۱۳۸۸). «سیاست کیفری ایران در قبال روسپیگری»، شماره ۴۵، مطالعات راهبردی زنان.
۸. بوهلندر، مایکل (۱۳۹۴). *قانون مجازات آلمان*، ترجمه اصلی عباسی، چاپ دوم، تهران: مجد.
۹. خالقی، ابوالفتح و رشنوادی، حجت‌الله (۱۳۹۲). «سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین‌المللی»، سال دوم، شماره سوم، صفحات ۱۱۹-۱۴۱.
۱۰. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۹ق). *اجود التقریرات (تقریرات بحث اصول علامه نایینی)*، جلد ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه صاحب‌الامر.
۱۱. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست‌محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین‌المللی»، دوره ۱۵، شماره ۴۰، پژوهش حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۲. زراعت، عباس (۱۳۸۲). *شرح قانون مجازات اسلامی*، بخش تعزیرات ۳، تهران: ققنوس.
۱۳. فهیمی، عزیرالله و مشهدی، علی (۱۳۹۰). «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت زیست‌محیطی»، فصل‌نامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۱.
۱۴. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۳). *ملاحظات دربارۀ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲*، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۵. کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی (۱۳۸۷). «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی»، فصل‌نامه زیست‌محیطی، دوره ۳۸، شماره ۲.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *روضه کافی*، تهران: کتابخانه اسلامی.
۱۷. مبلغی‌آبادانی، عبدالله (۱۳۷۱). *تاریخ ادیان و مذاهب جهان از ۳۵ هزار سال قبل تا اسلام*، جلد اول، قم: منطق (سینا).
۱۸. محمودی، فیروز (۱۳۹۳). *جرم‌نگاری حق‌مدار با تأکید بر نظریه آلمانی مصالح حقوقی*، سال سوم، شماره نهم، پژوهش حقوق کیفری.
۱۹. مدنیان، غلامرضا (۱۳۸۳). *ساختار سیاست جزایی حقوق آب ایران*، اولین همایش بررسی مشکلات آبیاری، زهکشی و مصرف بهینه آب کشاورزی، تهران.
۲۰. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص*، چاپ ۱۲، تهران: میزان.
۲۱. _____ (۱۳۹۲). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ ۲۱، تهران: میزان.
۲۲. نجات، سیدامین و دبیری، فرهاد (۱۳۹۴). «بررسی چالش‌های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی»، دوره هفتم، شماره دوم، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز.
۲۳. نجفی‌برندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۳). *دانش‌نامه جرم‌شناسی*، تهران: گنج دانش.
۲۴. هیرانو، ریوچی (۱۳۷۳). *حمایت کیفری از حقوق آب*، ترجمه هادی خراسانی، چهاردهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی.

ب) انگلیسی

25. Bianco, F., Lucifora, A., Vagliasindi, G.M. (2015). *Fighting Environmental Crime in France: A Country Report, Study in the framework of the EFFACE research project*, Catania: University of Catania.
26. Fuller, Lon L. (1969). *The Morality of Law Revised Edition*, New Haven (Connecticut, Estados Unidos): Yale University Press.
27. Schonscheck, J. (1994). "On criminalization: An essay in the philosophy of criminal law", Vol. 19, Springer Science & Business Media.